



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:
جمهوری اسلامی
اژدهای هفت‌سر استکبار
را عقب راند

یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۱ | ۷ صفر ۱۴۴۴ | ۴ سپتامبر ۲۰۲۲

شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



دلاور جنوب به دست
چه کسی گشته شد؟
ابهام در نحوه شهادت
رئیس‌علی پس از یک قرن

سال هفتم - شماره ۲۰۱۲ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

ایران در فاز صادرات پهباد

همدلی | چند روز پیش روزنامه واشنگتن پست آمریکا با استناد به یک منبع اطلاعاتی غربی اعلام کرد که نخستین محموله پهپادهای ایرانی به روسیه تحویل داده شده است.

تیغ نظارت مجلس بر کابینه کند شده است؛

افشاگری یک نماینده علیه وزیر راه

دعوت مردم برای قناعت به تبلیغ حشرات خوراکی رسید

پول ندارید حشره بخورید!

گزارش همدلی از افزایش خشونت خانگی در کشور

همسرکشی روی دور تند

طبق بخشنامه دادستان کل کشور؛ سرقت‌های همراه با خشونت مشمول «محاربه» شد

تحلیل‌ها درباره انتشار گزارش تفریغ بودجه چهارماهه نخست ۱۴۰۱

ردپای گاف‌های بودجه‌ای در معیشت

همدلی | گزارش‌های رسمی درباره عملکرد بودجه چند ماه ابتدایی سال جاری بالاخره منتشر شد. به‌تازگی دیوان محاسباتی کشور گزارشی درباره نظارت مستمر بر اجرای بودجه سال ۱۴۰۱ در مقطع زمانی چهارماهه نخست را منتشر کرده که قابل توجه است؛ رشد ۵ برابری وصول درآمدهای نفتی و افزایش ۶۹ درصدی درآمدهای مالیاتی. آن‌طور که گزارش دیوان محاسبات از عملکرد چهارماهه بودجه



علی بلبللی فروزنه مگر مه قنبری در گفت‌وگو با همدلی: موزه مگر مه؛ نیازمند مرمت تخصصی



«ربرت مالی» برای توضیح نتایج متن توافق به جلسه مجرمانه کنگره می‌رود

احیای برج‌ها از ۳ روز تا ۲ هفته دیگر

یادداشت‌ها

سیاست‌مدار و دغدغه‌ی قدرت

رضا صادقیان
روزنامه‌نگار

ناصر خسرو؛ کلیدواژه‌های برای اوضاع نابسامان دارو و درمان



محمدعلی آقایی
وکیل دادگستری

رشد جمعیت در تله قانون حمایت از خانواده



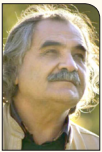
محمدرضا محبوب‌فر
کارشناس حوزه سلامت

مرگ که چیزی نیست، فقط گور به گور می‌شویم



فیض شریفی
منتقد و پژوهشگر ادبیات

عکس‌ها همیشه چیزی را پنهان می‌کنند



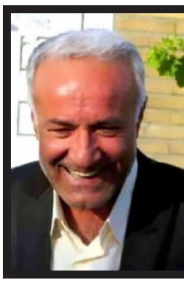
علی داریا
نویسنده

یادداشت

سیاست‌مدار و دغدغه قدرت

رضا صادقیان - مهم‌ترین و برترین کلیدواژه در دانش علوم سیاسی قدرت است، اساساً انباشت علم در این دانش برای شکافتن مباحث مرتبط با قدرت است. بررسی قدرت در ساختار دولت، قدرت جامعه و اجتماعات مختلف، قدرت مخالفان و موافقان سیاست‌ها و... هنگامه‌ای که رویدادها، کنش و واکنش‌ها، تنش و تعاملات، امضای معاهدات و قراردادهای صورت گرفته در میدان سیاست را بازخوانی می‌کنیم. قدرت به‌عنوان فریه‌ترین مسئله در مرکز این تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرد. حتی اگر اهل سیاست به‌جای قدرت ناهای دیگری مانند خدمت، تلاش و کوشش، فعالیت برای مردم و کار برای شهروندان را بیان کنند. این‌همه در ساختار قدرت به‌گونه‌ای مختلف و در ابعاد کوچک، بزرگ و کلان رخ می‌دهد، اما در مرکز تمام این تحولات قدرت نقش اصلی را بازی می‌کند. به عبارتی مشخص‌تر؛ بدون قدرت امکان بررسی هیچ‌کدام از کنش‌های به‌وجود آمده در ساختارهای مختلف امکان‌پذیر نخواهد بود. سیاست‌مدار همیشه در قدرت است. حتی در شرایطی که کرسی قانونی او را گرفته‌اند یا بر اساس انتخابات تمام صندلی را به سایر رقیبان واگذار کرده باشد. قدرت اهل سیاست کوچک، لاغر، نحیف و پژمرده می‌شود اما تا زمان حیات سیاست‌مدار آن قدرت به شکل‌های متفاوت وجود دارد. البته می‌توانیم این قدرت را به شکل‌های گوناگون صورت‌بندی کرد؛ قدرت اجتماعی، قدرت مقبولیت، قدرت مشروعیت و... بنابراین حتی در زمانی که سیاست‌مداران در ساختار قدرت قانونی وجود نداشته باشند در زمان‌های مختلف به‌بهرمداری از این قدرت تمایل پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال؛ دفاع سیاست‌مداران از کارنامه گذشته خویش، مصاحبه رسانه‌ها با آنان، رجوع کارگزاران جدید قدرت به مدیران ارشد اجرایی، دعوت از شهروندان برای حضور در انتخابات، ارائه لیست‌های مشترک انتخاباتی، راندازی حزب و کانون‌های مشورتی با چهره‌های سابق و فعلی و... این‌همه حکایت از قدرت است. اهل قدرت به دلیل بودن در ساختار کلان قدرت و به سرانجام رساندن برخی از فعالیت‌ها و چشیدن تأثیرات آن، هیچ‌گاه به‌صورت خودخواسته از قدرت کناره‌گیری نمی‌کنند. چراکه به‌صورت بی‌واسطه تأثیر چشم‌گیر قدرت با پشتوانه قانونی را لمس کرده‌اند. بر همین اساس، قدرت‌مداران تا هنگامه‌ای که گروه سیاسی رقیب، جریان سیاسی مقابل، چهره‌های بانفوذ و گدغه‌های سیاسی متصل به قدرت فریه موفق به برکناری و کنار گذاشتن فرد قدرت‌مدار نشده‌اند، فرد اهل قدرت از میدان قدرت به‌صورت خودخواسته و به دلایل مختلف دیگر کناره نمی‌رود. در واقع سیاست‌مداران هیچ‌گاه بازنشسته قدرت نمی‌شوند مگر با فرارسیدن مرگ. به‌عنوان مثال؛ پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخاب بایدن، ترامپ از قدرت ریاست جمهوری کنار رفت و میدان را به رقیب واگذار کرد، اما طی یک سال و نیم گذشته نه‌تنها سودای کناره‌گیری از قدرت را نداشته است بلکه با جدیت بیشتری برای کسب دوباره قدرت تلاش می‌کند. در نمونه‌های دیگر، طی دو ماه گذشته مقتدی صدر تلاش‌های بسیاری برای به دست گرفتن اهرم‌های قدرت در ساختار قانون‌گذاری و اجرایی دولت عراق انجام داد، پس از صدور بیانه توسط آیت‌الله حائری، صدر مجبور به پایین کشیدن قتیله آشوب‌ها شد و با صدور بیانه‌ای گفت: برای همیشه از سیاست خداحافظی می‌کند. در صورتی که پیشینه او تا امروز نشان می‌دهد سودای قدرت، او را هیچ‌وقت رها ناساخته و دور از ذهن نیست که پس از فروکش کردن آشوب‌ها در کشور عراق او برای مرتبه‌ای دیگر در سیاست این کشور عهده‌دار نقش باشد. چنانچه سایر سیاست‌مداران را از چنین زاویه‌ای نگاه کنیم به همین نتیجه می‌رسیم. به بیانی دیگر؛ قدرت‌مداران حتی در صورتی که از حلقه قدرت کنار گذاشته شوند یا به دلیل چرخش قدرت جایگاه سابق را از کف بدهند، بازهم دغدغه بازگشت به‌روزهای خوب در قدرت بودن لحظه‌ای آنان را رها نمی‌کنند.

انالله وانا الیه راجعون
در گذشت تاسف‌بار چهره فرهنگی سیاسی و اجتماعی منطقه جنوب کشور **جناب آقای دکتر سیدقادر لاهوتی**
که بدون تردید الگویی برای سیاست‌ورزی اخلاق مدارانسه و متعهدانه به اصول اصلاح‌گری بود، را به مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، خانواده، دوستان و همراهان آن عزیز سفر کرده، تسلیت گفته و برای آن سید فقید، غفران الهی و برای بازماندگان سلامتی و موفقیت آرزو نمودم.



یادداشت

ناصر خسرو؛ کلیدواژه‌های برای اوضاع نابسامان دارو و درمان

محمدعلی آقایی - می‌دانیم که حتی تا اواخر دهه‌ی ۶۰ به‌واسطه کمبود پزشک تخصصی و حتی عمومی، واردکننده پزشک از هند و پاکستان بودیم (به‌عبارت‌دیگر دست‌کم از این حیث کمی عقب‌مانده‌تر از این دو کشور بودیم). شاید دلیل عمده این وضعیت این بود که مقامات وقت به تربیت پزشک و داروساز اهمیت چندانی نمی‌دادند. در تهران فقط دو دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه ملی سابق یا شهید بهشتی و در تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و مشهد یکی دو شهر دیگر پزشک تربیت می‌شد، آن‌هم با ظرفیت‌های محدود؛ اما پس از انقلاب به تعداد این دانشکده‌ها افزوده شد؛ به‌طوری‌که آموزش دانشجوی پزشکی دولتی حتی به شهرهای کوچک‌تر هم کشیده شد. برای نمونه در خوزستان افزون بر دانشگاه جندی‌شاپور، دانشگاه‌های پیراپزشکی در شهرهای مانند آبادان، دزفول و بهبهان هم دانشجوی پزشکی می‌پذیرند. دانشگاه آزاد هم که در همان ایوان رانداری و با شهریه‌های کم‌رشد وارد میدان شد. موضوعی که البته سبب افت کیفیت آموزش پزشکی نیز شده بود. در سال‌های اخیر هم دانشکده‌های بین‌الملل وابسته به دانشگاه‌های دولتی به آموزش دانشجوی پزشکی و پیراپزشکی ورود کرده‌اند، آن‌هم با شهریه‌های کلان دولتی!

در سوی دیگر نیز سال‌هاست که می‌شویم پرستاران و پزشکان ایرانی کار در خارج از کشور را به خدمت به‌موظفانشان ترجیح می‌دهند. اخیراً این بحث از سوی مقامات و مسئولان رسمی کشور نیز اذعان شده است. به‌طوری‌که یکی از مقامات دانشگاه جندی‌شاپور اهواز همین دو سه روز پیش اعلام کرد که روزانه بین دو تا ۱۰ پزشک از خوزستان مقدمات مهاجرت خود را فراهم می‌کنند. بدیهی است که آمار کل کشور روزانه از ده‌ها نفر هم فراتر است. در این میان آیا نباید به این پزشکان و پرستاران هم‌میهن حق داد که برای کسب درآمد بیشتر و زندگی بهتر به دنبال مهاجرت باشند؟ پاسخ از جهاتی مثبت و از جهاتی منفی است؛ مثبت است از این حیث که حتی مقامات رسمی گفته‌اند درآمد متوسط یک پزشک عمومی که در بیمارستان خدمت می‌کند ۱۰ میلیون تومان است. دیگر تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل! این یعنی زندگی در زیر خط فقر! مگر اینکه اگر تابوتوانی داشته باشی و دو شیفته کار کنی. البته اوضاع پزشکان متخصص و فوق‌متخصص اغلب بهتر است؛ هم به جهت دستمزدهایی که می‌گیرند و هم به جهت همان‌که برخی پزشکان از بیماران اضافه می‌گیرند و به «ریمیزی» معروف است. هرچند که برخی از اینان هم یا درصد مهاجرت‌اند یا برخی نیز مهاجرت کرده‌اند. حال به این موارد اضافه کنید، شرایطی که برخی پزشکان یا عطای پزشکی را به لقای آن بخشیده‌اند یا به‌هم‌زمان به مشاغل دیگری چون بسازونفروشی و تجارت و... سرگرم‌اند. پاسخ از جهات دیگری منفی است؛ گفته شد که متوسط دریافتی پزشک عمومی در نزدیکی خط فقر است. اکنون این سوالات مطرح است که آیا مراجع ذیصلاحی چون سازمان برنامه‌بودجه، مجلس شورای ملی، وزارت مربوطه و... نمی‌توانند طرحی نو دراندازند؟ آیا درآمدهای کشور در حدی نیست که دریافتی این شغل شریف و قشر زحمت‌کش و درادگاه را به‌طور کاملی بپهود بخشند؟ آیا می‌دانند که مثلاً یک پزشک عمومی ۱۹ سال درس خوانده است و به‌ویژه کنکور سخت و جان‌فرسای را پشت سر گذاشته و هفت سال دروس سخت دانشگاه را با آن وضعیت خوابگاه و تغذیه پشت سر گذاشته و دو سال سربازی و طرح را تقریباً مفت برای دولت کار کرده است؟ آیا می‌دانند که یک رزیدنت سه یا چهار سال به‌طور شبانه‌روزی یک‌درمیان و در یک شیفت به‌طور متوسط ۴۰ بیمار را معاینه می‌کند و در حد هزینه اسنپ و خوردوخوراک و پوشاک هم به وی پرداخت نمی‌شود؟ اما وضعیت دارو و طرح به‌اصطلاح داروایا؛ ۴۰ سال است که حکایت بازار نپهان و آشکار دارو با کلیدواژه «ناصرخسرو» در ادبیات اجتماعی مردم رواج دارد. آیا حتی یکی از وزرای مربوطه و سایر مقامات عهده این حکایت را نشنیده یا ندیده‌اند؟ البته چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است؟! پس بحث بیشتر همچنان سودی ندارد! طرفی شرکت‌های داروساز که بعضاً دستی بر آتش دارند و قیمت‌ها را به‌حق یا ناحق افزایش می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد که وزارتخانه‌های مربوطه و سازمان‌های نظارتی دست روی دست گذاشته‌اند. کدام وجدان‌بیداری می‌تواند بشنود و جانش نسوزد که مثلاً داروی کودکان سرطانی و بیماران خاصی و بعضاً حتی تأثیرمخیر گذشته به چندین برابر قیمت در ناصرخسرو و حتی داروخانه‌های رسمی به فروشی می‌رسند و صدای بیماران مضطرب و درمانده به‌جایی نمی‌رسد؟

یادداشت

رشد جمعیت در تله قانون حمایت از خانواده

محمدرضا محبوب‌فر - نرخ رشد جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ معادل ۱/۲۴ درصد گزارش شده است. از آخرین سرشماری مرکز آمار ایران بیش از شش سال می‌گذرد و حال بر اساس گزارش‌های تازه این نهاد دولتی، جمعیت ۲۳ استان کشور به‌کمتراز از «سطح جانشینی» رسیده است. بر اساس ادعای مرکز آمار، جمعیت کشور از سال ۱۴۰۰ تا ۱۵۵۰ سال آینده ۷ میلیون و ۳۹۱ هزار نفر افزایش می‌یابد و روند رشد جمعیت از ۰/۱۷ درصد در سال جاری به ۰/۲۶ درصد در سال ۱۴۱۵ خواهد رسید. طبق آخرین جداول و نمودارهای مرکز آمار، جمعیت در برخی استان‌های کشور با حداکثر آهنگ ۱/۶ درصد، در حال افزایش است. متوسط سن جمعیت کشور هم ۲۳ سال برآورد می‌شود که این میزان نسبت به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، مطلوب ارزیابی می‌گردد. نرخ فعلی رشد جمعیت اما به باور مقامات جمهوری اسلامی مربوط به برخی استان‌ها است و نمی‌توان به‌تمامی کشور تسری داد. گفته می‌شود رشد جمعیت در اثر کنترل افراطی به نقطه بحرانی رسیده است و این، خبر از بحران کاهش رشد جمعیت در ایران می‌دهد. به باور برخی پژوهشگران جمعیت، اگر چه در حال حاضر نرخ رشد جمعیت نسبت به دهه‌های گذشته کند شده، اما بحرانی در کار نیست و تنها نرخ رشد جمعیت نیست که در حال حاضر تغییر کرده است، بلکه بسیاری از شاخص‌ها مثل نرخ باروری، ساخت سنی، وضعیت سلامت جمعیت، اشتغال و نرخ تورم هم در این چند دهه روند سابق خود را نداشته است و همه این عوامل باعث شده که جامعه به‌طور خودکار و خودجوش، سیاست‌های جمعیتی خود را متناسب با شرایط تغییر دهد. با این‌وجود، مقامات کشور معتقد به افزایش میزان سالخوردگی ساختار جمعیتی ایران هستند و نسبت به تشکیل و ایجاد قرارگاه راهبردی و تاکتیکی کنترل و رشد جمعیت با هدف رفع موانع رشد جمعیت و کاهش عوامل نزول جمعیت اقدام کرده‌اند.

از جمله عوامل کاهش جمعیت کشور، سقط‌جنین بی‌حدوحد در ایران بوده است. مطابق با آخرین آمار منتشرشده در این زمینه، حدود ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جنین در سال سقط می‌شوند که از این تعداد، ۵۲۰ هزار سقط عمدی در سال جلب‌توجه می‌کند. برای خروج از بحران کاهش جمعیت و سقط‌جنین فراینده، قانون جمعیت طراحی شده است تا با اجرای احکام آن، اوضاع جمعیتی ایران بهبود بخشیده شود. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در چهارچوب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تمامی دست‌توالعمل‌های صادره مرتبط با بارداری و سلامت مادر و جنین که پزشکان و کارکنان بهداشتی-درمانی یا مادران را به سقط‌جنین توصیه کرده یا سوق می‌دهد، حذف کرده است. ناظران حوزه سلامت از آغاز طرح ضربتی دستگاه قضایی و پلیس در ایران برای مقابله با سقط‌جنین خبر می‌دهند. قوه قضائیه بدون اشاره به بستن‌تراها و زمینه‌های سقط‌جنین در کشور طی ارسال پیامک‌های انبوه برای مردم و کادر درمان تهدید کرده که هر فردی از آگاهانه و از طریق جراحی، تجویز دارو، مواد خوراکی و ضرب‌سورج یا آزار موجب سقط‌جنین شود، علاوه بر پرداخت دیه، به حبس و ابطال پروانه پزشکی محکوم می‌شود. در راستای اجرای طرح قانون جمعیت گزارش‌ها حاکی از اجرای آزمایشی طرح مدیریت خانواده در استان فارس است. این طرح که برای افزایش خاننشینی کارمندان زن به اجرا درمی‌آید و بر اساس آن زنان کارمند متأهل باید ساعت ۱ ظهر به خانه برگردند و به‌جای شغل خود، «مدیریت خانواده» را انجام دهند. محمد